

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٥٩



دانشگاه شاه

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان پایان نامه: زمان در نگارگری ایرانی (مکتب تبریز اول و دوم)

استاد راهنما: کاظم چلیپا

عنوان پروژه عملی: هفت خوان رستم

استاد راهنما: کاظم چلیپا

استاد مشاور: علی اصغر شیرازی

کمیته اهدای مدرک علمی بزرگ

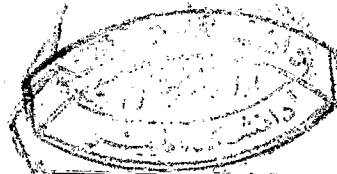
تبریز

نام دانشجو

رسول عابدی

۱۳۸۸/۱۲/۱۷

آذر ماه و سال ۱۳۸۶



۱۳۲۵۲۹



دانشگاه شاهرود
دانشکده هنر

به نام خدا

تمامی حقوق مادی و معنوی این پایان نامه تحصیلی متعلق به دانشگاه شاهد است و هر گونه نقل مطالب با ذکر نام دانشگاه شاهد، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است. دانشجویان در صورتی می توانند نسبت به چاپ مقاله مستخرج از پایان نامه خود اقدام کنند که مقاله مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفته باشد. همچنین به هنگام چاپ مقاله ذکر نام استاد راهنما ضروری است. عدم رعایت موارد فوق موجب پیگرد قانونی است.

«معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی»

تاریخ ۱۸، ۴، ۸۷
شماره ۱۳۵ از ن
پیوست



صورت جلسه دفاع

رساله نظری: زمان در نگارگری ایرانی (مکتب تبریز اول و دوم)
پروژه عملی: داستان های شاهنامه

مربوط به خانم/ آقا رسول عابدی دانشجوی رشته نقاشی در تاریخ ۱۹/۱۲/۸۶ برگزار و
نمره رساله نظری ۱۵۵ پروژه عملی ۱۷،۲۰ و میانگین آن به
عدد ۱۳،۶۸ و به حروف با نژده رشته هنرستان اعلام می گردد.

اعضای هیات داوران

۱- آقای کاظم چلیپا

۲- آقای علی اصغر شیرازی

۳- آقای خشایار قاضی زاده

۴- خانم راضیه یاسینی

۵- آقای مرتضی افشاری

امضاء

امضاء

امضاء

امضاء

امضاء

مدیر گروه رشته

نام و نام خانوادگی: امضاء:

امضاء

هدیه به تمام کسانی که در رشد و تعالی و بالندگی حیات هنری

اینجانب ، از جان خویش مایه گذاشتند و زحمت رسیدن تا چنین

مرحله ای را بر خود هموار نمودند:

والدین ، همسر ، اساتید و دوستان همراه



دانشکده هنر دانشگاه شاهد

چکیده پایان نامه

این چکیده به منظور چاپ در نشریات دانشگاه تهیه شده است

عنوان پایان نامه: زمان در نگارگری ایرانی (مکتب تبریز اول و دوم)

استاد راهنما: جناب کاظم چلیپا

استاد مشاور: جناب علی اصغر شیرازی

نام دانشجو: رسول عابدی

شماره دانشجویی: ۸۳۷۴۹۵۰۰۷

رشته: نقاشی

چکیده:

نگارگری ایرانی بدلیل وابستگی به متون کهن و ادبی شعرای عارف و حکیمان نامی این سرزمین، از جایگاه ویژه و والایی برخوردار است.

این پیوند میان متن و تصویر، نگارگری را از حوزه عالم محسوسات و جهان ناسوتی به جهانی خیالی و مثالی میدل ساخته است که در آن قید به زمان و مکان عالم ماده بکلی از بین رفته و با عوامل و عناصر بصری که خاص نقاشی ایرانی است، بواسطه قوه تخیل، فضایی مصور می گردد که با نشانه های سمبلیک و نمادهای رازآمیز عرفانی، فضای چند ساحتی عالم مثال، آدمی را به یاد کهن خاطره بهشت موعود می اندازد.

نگاره های مکتب تبریز در این راستا

با ویژگیهای برجسته ای که دارا می باشند، نمونه بارزی از مصور سازی نمادین جوهر و اصل صور مادی هستند که به واسطه پشتوانه دینی و عرفانی، به خلق فضاهای روحانی و لطیف عالم مثالی مبادرت می ورزند. و مرزهای زمان و مکان عالم ماده را در می نوردند و به فضای عالم باقی قدم می گذارند و از مرگ ندریجی که مختص جسم و ماده می باشد، عاری هستند.

این جاودانگی و بی زمانی در دوره تبریز دوم بطور چشم گیر و گسترده ای بر نگاره های این زمان، اکسیر جاودانگی را افشانده است.

در این رساله سعی بر آن است که در فصل اول به تاریخچه مکتب تبریز ۱ و ۲ پرداخته شود و پس از بررسی مفهوم تجسمی زمان در فصل دوم، به عوامل و عناصر بیانی مفهوم زمان در نگاره های تبریز ۱ و ۲ در فصل سوم بطور کامل اشاره گردد.



واژگان کلیدی: مکتب تبریز ۱، مکتب تبریز ۲، اسطوره، عالم خیال، تفکر عرفانی، بافت، نقوش،
تزیین، نماد، نور و رنگ، زاویه دید و فضای چند ساحتی



تاریخ و امضاء

۱۳۸۴/۴/۲۵

نظر استاد راهنما

فهرست مطالب

عنوان

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول: تاریخچه مکتب نگارگری تبریز (دوره اول و دوم)

۹	تاریخچه مکتب نگارگری تبریز (دوره اول)
۱۱	نسخه های مصور مکتب تبریز (دوره اول)
۱۷	ویژگیهای مکتب تبریز (دوره اول)
۲۳	تاریخچه مکتب نگارگری تبریز (دوره دوم)
۲۷	نسخه مصور مکتب تبریز (دوره دوم)
۳۳	ویژگیهای مکتب تبریز (دوره دوم)

فصل دوم: مفهوم تجسمی زمان در مکتب نگارگری تبریز ۱ و ۲

۳۳

زمان فیزیکی و زیستی

۴۷	زمان اسطوره ای
۵۷	زمان از منظر دین اسلام
۶۶	اندیشه های دینی و عرفانی
۷۸	عالم خیال (عالم مثال - عالم ملکوت)
۹۴	نمود زمان و تأثیر اندیشه های عرفانی در نگاره های مکتب تبریز
۹۵	الف: نور و زمان
۱۰۴	ب: تعدد زاویه دید
۱۰۹	نماد شب و روز در مکتب تبریز
فصل سوم: مفهوم زمان و عناصر و عوامل آن در نگاره های مکتب تبریز او	
۱۴۱	نمادها و نشانه ها در مکتب تبریز
۱۵۳	رنگ و نور در مکتب تبریز
۱۶۴	نقوش تزئینی و بافت در مکتب تبریز
۱۷۶	زاویه دید و فضای چند ساحتی در مکتب تبریز
۱۸۳	نتیجه گیری
۱۸۷	فهرست تصاویر
۱۹۳	کتابنامه، مقاله نامه، سایت های تخصصی

پیشگفتار:

در عرصه‌ی هنرهای تجسمی، سرزمین کهن ایران به عنوان مهم‌ترین مرکز فرهنگ و هنر و تمدن اسلامی، نوعی از نقاشی را به جهانیان ارائه نمود که با مفاهیم و مضامین بلند دینی و عرفان اسلامی، پیوندی ناگسستنی برقرار نمود. این پیوند و ارتباط که حاصل همزیستی تنگاتنگ متون ادبی و عرفانی با هنر مصورسازی است، از ابتدای شکل‌گیری نگارگری ایرانی شروع شد و در دوره‌های مختلف با شدت و ضعف‌هایی به رشد و بالندگی ادامه داد که اوج آن در نگاره‌های مکتب تبریز دوره دوم نمود بیشتری یافت.

کنکاش در هنر نگارگری ایرانی باب‌های جدیدی از این هنر بالنده و پویا را برای هر انسان اهل ذوقی می‌گشاید. در این راستا دیدن و کاوش در نقاشی ایرانی از منظر و زاویه‌ای تقریباً "جدید و ناگفته"، ارزش و اهمیت این خردنگاره‌ها را بیش از پیش آشکار خواهد ساخت.

مفهوم زمان در نگاره‌های ایرانی و فضای لطیف و خیالی حاکم بر آن، موضوعی جذاب بود که مدت زیادی افکار و اندیشه‌هایم را به خود مشغول کرده بود تا اینکه در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان موضوع رساله مطرح نمودم و در نهایت تحت نام «زمان در نگاره‌های مکتب تبریز اول و دوم» به تصویب رسید.

بدلیل اینکه این موضوع در کتابها و مقالات و تحقیقات انجام شده پیرامون نقاشی ایرانی بندرت و گاه "به صورت اشاره‌ای گذرا بدان پرداخته شده بود و فصل جدیدی را رقم می‌زد، لذا از همان ابتدا با محدودیت و کمبود منابع روبرو بودم که این امر سختی و دشواری تحقیق را بیشتر از حد معمول به همراه داشت.

علی‌الرغم تمام مشکلات و محدودیت‌ها، با استعانت از خداوند، راهنمای‌های اساتید، سخت‌کوشی و تلاشی مضاعف، در نهایت حاصل کار رساله‌ای شد که در پیش روی خوانندگان و هنرجویان قرار دارد. امید است که مفهوم فضا و زمان در مینیاتور ایرانی که به قول دکتر سید حسین نصر زمینه‌ای نسبتاً "کاوش ناشده است، به قلم اهل ذوق و هنر و اهل تحقیق بیش از اینها مورد بررسی قرار گیرد.

نکته‌ای که ذکر آن برای خوانندگان این رساله ضروری است آن است که تاریخ‌های ذکر شده در بعضی از نقل قول‌ها به تاریخ هجری قمری و در برخی به تاریخ میلادی و در پاره‌ای دیگر به هر دو اشاره شده است، در این رساله با کمک گرفتن از کتاب «احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگرهند و عثمانی» نوشته محمدعلی کریم زاده تبریزی، کلیه تاریخ‌ها یکسان‌سازی شده است تا خوانندگان با دشواری تطبیق تاریخ‌های هجری و میلادی مواجه نگردند.

مقدمه

کلیات تحقیق (طرحنامه):

۲-۵- تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق:

نگارگری فضایی را به روی ما می‌گشاید که زمان و مکان حوادث و داستانهای آن فراتر از عالم ناسوتی است. در این عالم خیالی، تغییر تدریجی حوادث که از مختصات ماده است وجود ندارد. در نگاره های تبریز که یکی از دوره های با شکوه نگارگری است، سیر رویدادها بگونه ای است که زمان و فضایی فراتر از این عالم تکثر را به ما نشان می‌دهد و نگاه بیننده را به سوی عالم وحدت و مجردات می‌کشاند. این عالم نگارگری با ابزار و اندیشه های استواری، چنین زمان و مکان باقی را بر ملا ساخته است که برای کشف چنین فضای مثالی در نگاره ها باید به این دو سؤال پاسخ داده شود.

۱- آیا بکارگیری عامل زمان و بی زمانی در نگاره های تبریز، بر پایه اندیشه های دینی و عرفانی نگارگران بوده است؟

۲- عوامل و عناصر بیان کننده مفهوم زمان در نگاره های تبریز کدامند؟

۳-۵- سابقه و ضرورت انجام تحقیق: اصولاً در مورد زمان، فضا و عالم خیالی نگارگری ایرانی، اهل تحقیق و صاحب نظران به صورت پراکنده در کتاب ها و مقالات خویش، مطالبی را ارائه نموده اند که کافی نیست. و بطور مشخص و مدون در خصوص زمان در نگاره ها بویژه مکتب تبریز، به سابقه ی تحقیقی و پژوهشی مکتوبی بر نمی‌خوریم. لیکن در مورد زمان بطور عام در هنر های

تجسمی، اشاراتی شده است. به عنوان مثال مرحوم مددیپور در کتاب "حکمت معنوی و ساحت هنر" می‌گوید: «توجه به زمان و مکان فانی هنرمند را ملزم به طرح عوارض عالم کثرت و تغییر می‌نماید، همچنانکه در نقاشی جدید و کلا" هنرهای تجسمی به نشان دادن بُعد سوم با سایه روشن و تغییر حجم که بیانگر واقعیت عالم کثرت و حس است، التزام پیدا می‌کنند. ویا سید حسین نصر در "هنر و معنویت اسلامی" با اشاره به نگارگر ایرانی می‌گوید: «با پیروی کامل از فضای منفصل، توانست سطح دو بعدی مینیاتور را به مرتبه‌ای عالی‌تر از وجود و آگاهی ارتقا دهد و او را متوجه جهانی سازد مافوق این جهان جسمانی، اما دارای زمان و مکان و رنگها و اشکال خاص خود». وی در جای دیگری مینیاتور ایرانی را «تنزل حقیقت آسمانی» بر زمین میدانند. البته چنان که ذکر شد بطور پراکنده از این عالم خیالی و زمان و مکان آن مطالبی گفته شده است لیکن در مورد زمان در نگاره‌های تبریز، و بطور مشخص منبعی در دست نمی‌باشد و همین فقدان منابع در خصوص مفهوم زمان در نقاشی ایرانی، علت ضرورت چنین تحقیقی را الزامی می‌نماید

۴-۵- فرضیه‌ها (هر فرضیه به صورت جمله خبری نوشته شود):

- ۱- به نظر می‌رسد عامل زمان در نگاره‌ها بر پایه اندیشه‌های دینی و عرفانی بوده است
- ۲- نمادها، رنگ و نور، زاویه دید و فضای چند ساحتی و نقوش تزئینی از عوامل و عناصر بیانی مفهوم زمان در نگاره‌ها هستند.

۵-۵- اهداف (اصلی-فرعی)

- تعیین و مشخص نمودن عناصر بصری برای ارائه زمان در نگارگریها
- شناسایی عوامل مختلف بیان کننده مفهوم زمان در مکاتب تبریز او

۶-۵- چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

- استفاده هنرمندان معاصر از مفهوم زمان در نقاشی معاصر بر پایه نگارگری
- ۷-۵- ویژگی جدید بودن و نوآوری طرح چیست؟ (توسط استاد راهنما تکمیل گردد)
- مشخص نمودن عوامل و عناصر بیانی مفهوم زمان در نگاره‌های تبریز اول و دوم

۸-۵- روش انجام تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات:

روش انجام تحقیق: توصیفی-ابزار گردآوری اطلاعات: کتابخانه ای از طریق فیش برداری، مشاهده و تصویر

۱۰-۵- جامعه آماری و تعداد نمونه و روش نمونه گیری (در صورت لزوم):

جامعه آماری نگاره ها- مکتب اول و دوم تبریز/تعداد نمونه ها از هر مکتب ۱۵ عدد/ روش نمونه گیری تصادفی

۱۱-۵- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

روش تجزیه و تحلیل کیفی است و با توصیف آثار و بررسی عناصر موجود در نگاره ها، نتیجه استنتاج می گردد...

هنر نگارگری یکی از مهمترین هنر های اسلامی است که در طول حیات خود چه قبل از دوره های اسلامی و چه پس از آن، همواره دریچه ای به جهان نامحسوس و عالم ملکوت گشوده است که بدان وسیله انسان بدور از محدودیت های زمانی و مکانی دنیای فانی، در جهانی خیالی و مثالی به جاودانگی و بی زمانی اندیشه نماید و به عالمی فراتر از ماده توجه کند. این هنر که خاستگاه آن کتب ادبی و عرفانی شعرا و عرفا و حکیمانی همچون نظامی، سعدی، حافظ و حماسه سرایانی چون فردوسی است، هیچگاه خود را در قید و بند زمان و مکان دنیای هیولایی و مادی قرار نداده است. از برجسته ترین دورانی که نگارگری ایرانی با افتخار پشت سر نهاده است، دوران مکتب تبریز می باشد که در آن تحولات چشمگیر و شگرفی به ویژه در دوره تبریز دوم روی داده است که در مقاطع بعدی تأثیرات عمیق و دامنه داری را بر نقاشی ایرانی گذاشت. در این زمان مخصوصاً "مکتب دوره صفویان نسخه های خطی با شکوه و زیادی توسط هنرمندان چیره دستی چون سلطان محمد تبریزی، کمال الدین بهزاد و شاگردانش و دیگر استادان به نام آن زمان به زیور تصویر آراسته شد. نگاره های این نسخه های خطی، هر کدام به تنهایی برای معرفی نقاشی ایرانی بطور جداگانه مرجع کامل و جامعی می باشند.

در این رساله سعی بر آن است که علاوه بر بیان تاریخچه مختصری از دوره اول و دوم و همچنین بررسی ویژگیهای مکتب تبریز، به راز ماندگاری و "بی زمانی" آثار خلق شده بطور مفصل و از زوایای گوناگونی بدان پرداخته شود.

در فصل اول که شامل تاریخچه مکتب تبریز اول و دوم، نسخه های مصور شده خطی و همچنین بیان ویژگیهای هر دو دوره می باشد، به معرفی مختصر و اجمالی این مقطع زمانی از نگارگری اشاره دارد. و در دومین فصل رساله موضوع زمان از چند منظر مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش ابتدا تعریفی از زمان ارائه شده است. آنگاه زمان از سه منظر یعنی "زمان فیزیکی و زیستی"، "زمان اسطوره ای" و "زمان از منظر دینی" مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است. البته در این بخش علی الرغم معرفی این سه زمان، بطور مجمل و مختصر به نوع زمان در دو دوره تبریز نیز اشاراتی شده است که در بخش سوم بیشتر بدان پرداخته می شود.

در سومین و آخرین بخش این رساله زمان از چند زاویه با ارائه ی نمونه های تصویری به نقد و تجزیه و تحلیل گذاشته می شود که این بخش به نوعی نتیجه گیری و اثبات فرضیه های مطرح شده در طرحنامه تلقی می شود.

در فصل سوم این پژوهش بر اساس مستندات تصویری و تاریخی که از چند جنبه همچون عالم مثالی و خیال، نماد و نشانه، مبحث رنگ، نقوش و بافت و همچنین زاویه دید و فضای چند ساحتی نگاره ها مورد بررسی قرار گرفته است، با اشاره به پشتوانه فکری و اندیشه های عرفانی که نقاشی ایرانی بر آن استوار است، به زمان و مکان باقی و جاودانه آثار مکتب تبریز به ویژه در دوران دوم، با دقت و تأمل بیشتری نگاه شده است.

یکی از سئوالاتی که در "طرحنامه" آمده است، چگونگی تأثیر اندیشه های دینی و عرفانی بر نگاره های این دوران است. آنچه مسلم است نگارگری از میان متون ادبی برخاسته است، متونی که روح حاکم بر تمدن و فرهنگ ایرانی چه در دوران باستان و چه پس از آن به نوعی با جوهره ی عرفان در آمیخته است و همین آمیزش، نقاشی ایرانی را در فضای بی زمانی و مکانی، جاودانه نموده است. البته ذکر این نکته ضروری است که در طول تاریخ نگارگری، حمایت مادی و معنوی و

شرائط موجود و حاکم زمانه ، تأثیراتی را بر نحوه ی شکل گیری این هنر گذاشته است. چه در دوره
دوم مکتب تبریز به دلیل ترویج اندیشه صوفیگری حاکمان صفوی نگارگری بگونه ای شگفت انگیز
متحول شد.

زمان در نگارگری تبریز، دریچه ای است که به روی نفاشی ایرانی گشوده می گردد و زیبایی
های مسحور کننده این فضای خیالی و مثالی را با ابزار تازه تری بر ملا می سازد.

فصل اول:

تاریخچهٔ مکتب نگارگری تبریز

(دوره اول و دوم)

تاریخچه مکتب نگارگری تبریز (دوره اول)

در بررسی تاریخ این سرزمین در سده های هفتم و هشتم ه.ق سه بار هجوم و تاخت و تاز و غارت مغولان و نوادگان آنها به چشم می خورد که از سال ۶۱۶/۱۲۱۹ و به سرکردگی چنگیز خان مغول آغاز شده و تا سال ۶۵۶/۱۲۵۸ یعنی به مدت چهل سال، استقرار حکومت ایلخان در سرتاسر ایران ادامه یافت و گفته می شود که حکومت قوم ایلخان تا ۸۰ سال بعد دوام و بقا داشته است. این دوره که برای فرهنگ و هنر ایران یکی از دوره های پر اهمیت تاریخی ذکر شده است، با غارت، چپاول و کشتار مردم این سرزمین همراه بوده است. بگونه ای که بیشتر شهرها و آبادیهای این دیار بواسطه همین جنگ ها ویران گشته و مردمان آن از دم تیغ تیز مغولان گذرانده شده اند.

«مغولان روستائینی چادر نشین بودند که به شرایط اقلیمی خشن و نامناسبی عسادت داشته و تحت قوانین و نظمی خشک و بدون انعطاف رشد یافته بودند. آنان بنابر سنت استپ نشینی روسیه از زمان یک رهبر نظامی تا زمان مرگ او، تبعیت کرده و پس از آن از گرد او پراکنده می شدند.»^۱

باگذشت زمان و مهاجرت و نقل مکان دائمی اقوام مغول به سرزمین های تحت تصرف آنها، کم کم زمان استقرار و ثبات حکومت ایلخانیان به سرکردگی هولاکوخان در ایران فرارسید که مرکز حکومتی آنها منطقه آذربایجان بود.

با توجه به عدم شناخت مغولان از شیوه مملکت داری و اداره حکومت، نهایتاً "مجبور به انتخاب افراد برجسته و کاردان برای سمت های اداری و رسمی کشور شدند. بارزترین و برجسته ترین این افراد، رشیدالدین فضل الله همدانی بود که به عنوان وزیر لایق و شایسته حاکمان مغولی یعنی غازان خان و الجایتو به خدمت گرفته شد.

در طول تاریخ نگارگری ایرانی یکی از عوامل مهم و سرنوشت ساز در پیشرفت و تکامل این هنر حمایت حاکمان و درباریان از آن می باشد که در مقاطع مختلف زمانی صورت می گرفته است. در

^۱- باربایرن/نگارگری ایرانی/دکتر مهناز شایسته فر/چاپ اول/موسسه مطالعات هنر اسلامی/تهران/۱۳۸۳/ص ۱۲۲

این زمان نیز «تحت حمایت ایلخانان کتاب نگاری در زمینه های علمی و تاریخی رونق گرفت. برخی متون قدیم چون شاهنامه فردوسی نیز به سفارش آنان باز نویسی و مصور شدند. کارگاه های تولید نسخه های مصور عمدتاً در مراغه و تبریز (پایتخت غازان خان) قرار داشتند.»^۱

با توجه به اینکه حکمرانان مغول اعتقادات مختلفی داشتند، علاوه بر اندیشمندان و فضیلابی مسلمان، گاه صاحب نظران بودائی و مسیحی را نیز در اداره امور خود مشارکت می دادند.

به نظر می رسد بستری که بعضی از حاکمان مغولی در عرصه های آبادانی و مملکت داری و همچنین در زمینه های فرهنگی و هنری گشودند باعث تحول شد که حاصل آن « دو نتیجه مهم برای نقاشی ایران داشت. یکی انتقال سنت های هنر چینی به ایران که منبع الهام تازه برای نگارگران شد و دیگری بنیانگذاری نوعی هنرپروری که سنت کار گروهی هنرمندان در کتابخانه کارگاه سلطنتی را پدید آورد. در محیط فرهنگی جدید فعالیت نقاشان در عرصه کتاب نگاری وسعت قابل ملاحظه یافت.»^۲

همچنانکه ذکر شد در زمان حکومت ایلخان به ویژه غازان خان یکی از ایلخانان مسلمان شده علاقمند به فرهنگ و هنر ایرانی - ایجاد و گسترش کارگاه و کتابخانه با حمایت حاکمان مغول کم کم شکل گرفت و این شکل گیری منجر به تأسیس شهرکی به نام ربع رشیدی شد که به دستور غازان خان، رشیدالدین فضل الله همدانی پزشک و مورخ را به وزارت دربار منصوب کرده که تحت سرپرستی همین وزیر دانشمند، تبریز به مرکز فرهنگی هنری و صنعتی عصر خود تبدیل شد.

رشیدالدین مرکزی به نام ربع رشیدی با ساختمانهای زیبا و کارگاههای منظم در تبریز بنا کرد و در همین کارگاه بسیاری از دانشمندان، خوشنویسان، نقاشان و شاعران و نویسندگان را گرد هم جمع کرد که علاوه بر ایرانیان از هنرمندان سایر ملل از جمله چینی و نستوری نیز به خدمت گرفت. در این مرکز که البته به سرپرستی خود وی اداره می شد، تعداد بسیاری نسخه های مصور تولید

^۱ - رویین پاکباز/نقاشی ایران از دیرباز تا کنون/چاپ سوّم/انتشارات زرّین و سیمین/تهران/بهار ۱۳۸۳/ص ۸۳

^۲ - همان/ص ۶۰

شده که در آنها نفوذ هنر چینی و بیزانسی و همچنین دست‌آورد های هنرمندان ایرانی و سنت های تصویری بومی به خوبی مشهود می باشد.

البته گفته می شود که « رشیدالدین فضل الله یک چهارم پایتخت مغولان ، یعنی تبریز را به حال وقف در آورد و علاوه بر کتابخانه ، کارگاه هنری هنرمندان را هم مورد حمایت خود قرار داد که کتاب های تاریخی مصور شده و سایر متون را در پانزده سال اول قرن هشتم/چهاردهم به وجود آوردند.»^۱

نسخه های مصور تبریز (دوره اول)

از جمله دستاوردهای کارگاه تبریز و ربع رشیدی ، نسخه های مصور و ارزشمندی بود که بعنوان میراث هنری این سرزمین باقی ماند. یکی از آنها مجموعه سترگ «جامع التواریخ» است به سفارش غازان خان و تحت سرپرستی رشیدالدین فضل الله تدوین شد . این کتاب شامل مجموعه ای از وقایع تاریخی جهان است که شامل تاریخ قبایل ترکی و مغولی ، یهودی ها، پیامبران و خلفا است که گفته می شود در سال ۷۰۷/۱۳۰۷ یعنی سه سال پس از مرگ غازان خان به اتمام رسید.

^۱ - شیلا کنبای/نگارگری ایرانی/دکتر مهناز شایسته فر/چاپ اول/انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی/تهران/۱۳۸۱/ص ۲۶